

www.ketab.ir

# از سیاحت در یک حماسه

منطق روایی و وحدت هنری در شاهنامه

محمود امید سالار

ترجمه مصطفی حسینی



- سرشناسه: امیدسالار، محمود، ۱۳۲۸ - Omidssalar, Mahmoud  
عنوان و نام پدیدآور: از سیاحت در یک حماسه / محمود امیدسالار؛ ترجمه مصطفی حسینی.  
مشخصات نشر: تهران: هرمس، ۱۴۰۰.  
مشخصات ظاهری: ۳۴۴ ص  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۶-۲۷۹-۹  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: عنوان اصلی: Poetics and politics of Iran's national epic, the Shahnameh, 2011  
موضوع: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه -- نقد و تفسیر  
موضوع: شعر حماسی فارسی -- قرن ۴ ق. -- تاریخ و نقد  
موضوع: ویژگی های ملی ایرانی  
موضوع: ایران -- تمدن  
شناسه افزوده: حسینی، مصطفی، ۱۳۵۲، -، مترجم  
رده بندی کنگره: PIR۴۴۹۵  
رده بندی دیویی: ۸۱۷/۲۱  
شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۱۵۴۳۵

این کتاب ترجمه‌ای است از:

*Poetics and Politics of Iran's National Epic, The Shahnameh*

*Mahmoud Omidshalar*

*New York, Palgrave Macmillan, 2011*

از سیاحت در یک حماسه

منطق روایی و وحدت هنری در شاهنامه

محمود امیدشالار

مترجم: مصطفی حسینی

www.ketab.ir

طراح جلد: حبیب ایلون

چاپ اول: ۱۴۰۰

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ: آیکان

همه حقوق محفوظ است.

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتراز میدان ونک، شماره ۲۴۹۳

تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴



## فهرست

|     |                                                           |
|-----|-----------------------------------------------------------|
| ۱   | پیشگفتار .....                                            |
| ۷   | مقدمه .....                                               |
| ۲۵  | فصل اول: شاهنامه و اقتدار احتمالی غرب .....               |
| ۵۹  | فصل دوم: سفر یک حماسه: تاریخ مختصر انتقال شاهنامه .....   |
| ۹۱  | فصل سوم: در وطن: شاهنامه به فارسی جدید .....              |
| ۱۲۳ | فصل چهارم: امانتداری مفراط: فردوسی و منبع کهنش .....      |
| ۱۳۷ | فصل پنجم: چرا شاهنامه؟ .....                              |
| ۱۴۵ | فصل ششم: فردوسی در غبار افسانه‌ها .....                   |
| ۱۷۳ | فصل هفتم: شاعر، شهریار، و زبان .....                      |
| ۲۰۷ | فصل هشتم: وحدت و انسجام هنری .....                        |
| ۲۳۷ | فصل نهم: رقابت دو برادر .....                             |
| ۲۵۵ | فصل دهم: کشتن دیوها، عزل پادشاهان: داستان اکوان دیو ..... |
| ۲۶۳ | فصل یازدهم: از هوسرانی و برکناری .....                    |
| ۲۷۳ | نتیجه‌گیری: شاهنامه و استبداد اروپامحوری .....            |
| ۳۰۷ | کتابنامه .....                                            |
| ۳۲۵ | نمایه .....                                               |

## پیشگفتار

آنچه پیش رو دارید تأملی است درباره شاهنامه، زمینه فرهنگی، و تحقیقات انجام شده در باب آن، هم در ایران و هم در غرب. هنگام تدوین این مقالات در شامگاهان پیری، با خود اندیشیدم که در شاهنامه‌پژوهی‌های معمول آنچه من با آن، خاصه در زمینه تاریخی و فرهنگی، ساختار، و شخصیت و انگیزه‌های سراینده آن، همدل بسیار اندک است. به دلیل اختلافات اساسی با بخش عمده این پژوهش‌ها، و برای راه یافتن به جهان شاهنامه و درک بهتر آن بر خود شعر و منابع دست اول تکیه کرده‌ام.

اجازه دهید از دوستان و همکاران بسیاری که به سالیان مرا یاری کرده‌اند قدردانی کنم و از محققان برجسته‌ای یاد کنم که به شوق دیدن دوردست‌ها بر شانه‌های رفیع آن‌ها ایستاده‌ام.

در طول سالیان دوستی، و ساعات طولانی و پرثمر بحث درباره ابعاد مختلف سنت‌های روایی و نسخه‌های خطی کتاب‌های داستانی پارسی، استاد محمدجعفر محبوب (۱۳۷۴-۱۳۰۳)، دایرةالمعارف سیار فولکلور و ادبیات پارسی، به من آموخت که زیر و بم این متون را از نو بنگرم. او توجه مرا به نکاتی جلب کرد که در نقطه کور تحصیلات من در غرب واقع شده بود. اگرچه از محضر او نکته‌ها می‌توانستم آموخت، اما مرگ نابهنگامش در سال ۱۳۷۴ به مصاحبت ما پایانی اندوهبار بخشید.

آلن داندس (۲۰۰۵-۱۹۳۴)، استاد بلامنازع فولکلورشناسی روانکاوانه در آمریکا، به من آموخت که در پی امور پنهان و ناآگاهانه به فراسوی امور آشکار و آگاهانه بنگرم. او به من آموخت که زمینه اجتماعی و فرهنگی تحقیقات تا چه

اندازه با محتوا و مضمون آن‌ها مرتبط است. از بختِ بلندم بود که توانستم از دانشِ وسیع و نگاهِ نافذ وی تا مرگِ ناگهانی‌اش در سال ۲۰۰۵ توشه‌ها برگیرم. در این میان یگانه چیزی که تسکینم می‌دهد این است که او به مرگِ معلمی راستین — هنگام ارائهٔ سمینار تحصیلات تکمیلی در ی. س. برکلی — درگذشت.

استاد فقید علی‌اکبر شهابی (استاد ممتاز دانشگاه تهران)، هنگام دیدارهای مکرر از برکلی، در بحث‌های فنی راجع به ادبیات کلاسیک عرب چشم‌اندازها و افق‌های جدیدی پیش چشمانم گشود. اگر استاد احمد مهدوی دامغانی (استاد ممتاز دانشگاه تهران) نمی‌بود، فقدانِ آن سعید فقید تحمل‌ناپذیر می‌بود. استاد مهدوی دامغانی مرا زیر بال و پر خود گرفت، و حکمتِ سرشار و دانشِ بی‌اندازه‌اش را کریمانه در اختیارم نهاد.

به استاد جلال متینی (استاد ممتاز دانشگاه فردوسی) سختِ مدیونم. او نه‌تنها ظرایف رسم‌الخطِ کهنِ نسخ پارسی را به من آموخت، بل در مقامِ سردبیر مجلهٔ ایران‌نامه و بعداً ایران‌شناسی، بخش عمدهٔ نوشته‌های جدلی مرا به فارسی — به تعبیری که او دوست می‌دارد — «لطیف کرد و زهر آن را گرفت». استاد احسان یارشاطر (استاد ممتاز دانشگاه کلمبیا) و استاد حشمت مؤید (استاد ممتاز دانشگاه شیکاگو) الطاف و نظراتِ صائب خود را هرگز از من دریغ نفرمودند. دیری‌ست که وامدار نکته‌سنجی‌های پروفیسور مارتین شوارتز (ی. س. برکلی) و پروفیسور شائول شاکد (استاد ممتاز دانشگاه اورشلیم) در باب موضوعات پیشااسلامی هستم. پروفیسور سوزان اسلیموویچ (دانشگاه کالیفرنیا، لس‌آنجلس) و الیوت آرینگ (استاد ممتاز دانشگاه دولتی کالیفرنیا، لس‌آنجلس) با شکیبایی به رجزخوانی‌های من در ذمَّ پیروان دینِ قبیله‌ای «نظریهٔ بدیهه‌سرایی شفاهی» هاروارد — که در کوشش‌هایشان برای تبدیل فردوسی به هومر ایرانی، دستِ کم بر آن‌اند تا بینایی‌اش را ازو بستانند — گوش فرادادند.

سوزان و الیوت همواره بر این موضوع که حاجتی به بسط نکات نیست اصرار ورزیده‌اند. سال‌ها پیش از نظراتِ ارزندهٔ دوستِ فرهیخته‌ام هدا جیسون حین پیاده‌روی‌هایمان، و بعدها در نامه‌ها و ایمیل‌هایش، بهره‌مند شده‌ام. استاد حمید

دباشی (دانشگاه کلمبیا) غالباً سنت‌گرایی مرا با ذهنیت پسامردن خود آزموده و شیوه‌های دیگری را برای نگرستن به اموری که در پيله‌ای از سنت‌گرایی من تنیده شده، و احتمالاً از نظر من دور مانده، خاطرنشان کرده است. پروفیسور فرانک لويس (دانشگاه شیکاگو) نسخه دست‌نویس مرا به دقت مطالعه و پیشنهادهای صائب و سازنده‌ای عرضه کردند. برخی از آن‌ها را به کار بسته‌ام و کوشیده‌ام در پاسخ به دیگر آراء او نظراتم را روشن‌تر بیان کنم. اگرچه در باب تعدادی از موضوعات با یکدیگر اختلاف نظر داریم، اما ازو به‌خاطر خواندن دقیق و عالمانه‌اش سپاسگزاری می‌کنم.

با این همه، بیش‌ترین دین را به دو محقق بزرگ، جلال خالقی مطلق (استاد ممتاز دانشگاه هامبورگ) و ایرج افشار (استاد ممتاز دانشگاه تهران)، دارم. هر آنچه در باب تصحیح متون و نسخه‌شناسی آموخته‌ام، مدیون این دو دانشی‌مرد است.

جلال خالقی مطلق، این «آلمانی» ترین پژوهشگر ایرانی، با شکیبایی و صرف وقت بسیار ظرایف و دقایق تصحیح انتقادی متون فارسی را به من آموخت. آیند و روند نامه‌های بلند و گفت‌وگوهای بی‌شمار او طی چهارده‌ساله‌ای که سرگرم تصحیح جلد ششم شاهنامه ماندگار او بودم استمرار داشت و چراغ راه من بود. صدها نامه او درباره مشکلات تصحیح متن شاهنامه منبع کم‌نظیری برای نگارش کتاب راهنمایی درباره تصحیح متون فارسی خواهد بود. او جلد ششم شاهنامه تصحیح مرا بیت به بیت از نظر گذراند. تمامی نسخه‌بدل‌هایی را که ذکر آن رفت مطالعه کرد، و در باب بسیاری از مسائل مشکل‌آفرین با صبری فراتر از آنچه انتظار می‌رفت با من به بحث و گفت‌وگو نشست. همچنین هنگام بیان بی‌پرده نظراتم حوصله شگرفی نشان می‌داد. همیشه چندان مهربان بود که به من اجازه دهد هر جا که مناسب می‌دیدم متن را تصحیح کنم، حتی در مواردی که با نظرات من مخالف بود، تنها پیشنهاد می‌کرد که قرائت‌های دیگر در یادداشت‌های آن مجلد آورده شود. این درجه از سعه صدر انتقادی تنها از بینشی برمی‌آید که محصول دانش فراوان و فروتنی عالمانه است.